

رسالت زنان در ساخت «امت اسلامی» و الزامات حقوقی آن

علی اکبر نوایی شورورزی^۱

چکیده

تشکیل «امت اسلامی» مرهون تعهدات و تعلقات دیرینه آموزه‌های اسلامی است، مسلم است که علیرغم این تأکیدات، تحقق این مهم تا کنون به مرحله اثبات عینی در واقعیت اجتماعی و تاریخی نرسیده است، که باید گسل‌های مانع چنین پیمودنی از سر راه برداشته شود. «امت»، جمع متشکل، منسجم، متحد و خلل‌ناپذیر، و غیرقابل رخنه و نفوذ است؛ که به غایت نضج، پختگی و بلوغ معرفتی و علمی در همه ساحت‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و ... دست یافته است. این امر وجهی جهانی دارد و فراتر از فرد و جمع مسلمین است. در این تشکل و هویت‌یابی جمعی، جنسیت جایگاهی ندارد؛ امری فرازنا و مردانه است و هر دو به یک اندازه در آن سهیم هستند. بلکه بعضاً سهم زنان فوق مردان است. تشکیل «امت»، پروژه‌ای الهی است که زن مسلمانی و انقلابی پیشرو، با تعهد آن را بر عهده می‌گیرد. طی این فرایند، مستلزم الزاماتی است که بیشتر صبغه حقوقی دارد؛ همچون تشریک و تسهیم حقوقی، اجتماعی و تاریخی که نمودهای روشنی در تاریخ اسلامی یافته‌اند. همچون شرکت در مسأله هجرت، بیعت و شرکت در جهاد، و نیز الزام واگذاری مسئولیت و نقش به زنان در این رهپویه مقدس، بالا بردن اعتبار مادری در سیر امت‌سازی اسلامی، و شرکت همه‌جانبه زن مسلمان انقلابی در تبلیغ تهاجمی و ترکیبی، و در عرصه تبیین‌گری در صحنه جهانی و بین‌المللی؛ که با تحقق چنین الزاماتی، زن مسلمان انقلابی خواهد توانست در فرآیند «امت» سازی، پیشران، مشوق، مربی و برآورنده این گفتمان عظیم الهی باشد، که انتظار این امر بعید نیست.

واژگان کلیدی: امت اسلامی، نقش زنان، الزامات حقوقی، مشارکت اجتماعی، زن مسلمان انقلابی

^۱ استاد سطوح عالی حوزه علمیه خراسان، عضو هیأت علمی دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مربی گروه معارف اسلامی دانشگاه

aliakbar_navaei@yahoo.com

فردوسی مشهد - ایران.

طرح مسأله

ساخت «امت» اسلامی در گذر تاریخی، آرمانی الهی، انبیایی و دینی است که در تعاقب و توالی تاریخی حرکت اسلامی، باید بالضروره ایجاد گردد. زیرا اجرایی شدن آرمان‌ها و ارزش‌ها و اهداف عالی و غایی اسلامی، بستگی تام و تمامی به آن دارد. قوت، سطوت، قدرت و عزت، نتیجه طبیعی و قهری آن است. این آرمان بلند، از عصر ظهور دین، محور توجه قرار داشته و در گذر زمان، به عنوان مقصد و غایت حرکت قرار داشته و تاکنون محقق نگردیده و همچنان بسان آرمانی مقدس در درون تفکر دینی قرار داشته و دارد و غایت حرکت دینی انسان را تعیین می‌نماید. «امت»، همان جامعه دارای هدف و مقصد و غایت سیر مشترک با رهبری قائد و پیشاهنگی واحد است که به عنوان پیکره‌ای به وحدت رسیده است. در برابر همه مظاهر الحاد و کفر و زندقه، موجودیت عظیم و غرور آفرین خود را اعلام نموده و به رخ جهانیان کشیده و موجودیت مقتدر خویش را به نمایش نهاده است.

ساخت «امت» اسلامی در گستره پهناور جغرافیایی و سرزمین اسلامی، حادثه‌ای دفعی و شعاری بی‌روح و محتوا و حادثه‌ای تصادفی و اتفاقی نیست. بلکه حقیقتی است ملموس و عینی که باید در واقعیت اجتماعی و تاریخی، با همه مظاهر و تجلیاتش بروز و ظهور و عینیت بیابد و آثار حضور این «امت» در صحنه عینی جهان، با همه آثار و نمودهایش محسوس و مشهود گردد و مظاهر و مرائی آن، با همه تعلقات و عناصرش موجود باشد و در برابر همه مظاهر و نمودهای کاذب عالم کفر و الحاد، لسان یک حیثیت غیر قابل انکار، در صحنه عالم اداراک گردد.

حقیقت آن است که تشکیل چنین «امت» عظیم و مقتدری به واسطه اتفاق عقیده و وحدت آرمان و عقیده و راه مشترک و منش و رفتار واحد، پدید می‌آید و در خلا محقق نمی‌گردد. تحقق این مسأله امر است نهادی و عینی که هنوز شکل نیافته و هویت حقیقی خود را ظاهر نگردانیده، نشانه آن، فقدان‌ها و ضعف و فتورهای عالم اسلامی با همه

کثرات جمعیتی خویش است و مسلمین طعم شیرین و رایحه خوش آن را احساس نکرده‌اند و هزاران افسوس که در تغافلِ سهمگین روزگار سپری می‌کنند.

این راه مقدس و دشوار، باید پیموده شود، و امر صریح الهی که باید شما به امتی مقتدر و شاهد در میانه عالم تبدیل شوید، به دلیل ضرورت‌های ذاتی، عینی و زمانی و ازلیش، لسان هویتی علم و نشانه و شاخص، باید به مرحله اثبات اجتماعی و تاریخی دست یابد. چه این که همه تذکارهای قرآن مجید، سیره نبی اعظم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و سیره آرمانی همه سلف صالح و امل‌آمال همه عالمان زبده و بیدارالهی در پهنه تاریخی، گواهی روشن بر ضرورت‌های یاد شده است و حکم همه این قافله عظیم، آن است که باید گسل‌های مانع چنین پیمودنی از سر راه برداشته شوند. گسل‌هایی که اگر زدوده نگردند و همچنان فعال باشند، دیگر عبور از آن ناممکن و نتیجه آن، هلاک قافله اسلام خواهد بود در نتیجه باید مانع‌ها را زدود و به روشنگری و انسجامی شکوهمند دست یافت و گسل‌ها و مانع‌ها در ادعاها را از سر راه قافله اسلامی سترد و «امت» را از یک آرمان، به حقیقتی عینی و مرحله تحقق و عمل رساند.

در این مسیر الهی و مقدس، همه نقش آفرینند و باید باشند. اکنون پرسش آن است که در این رهپویه نورانی و عظیم، زنان مسلمان در جامعه‌های مسلمین، چه رسالت و وظیفه‌ای بر عهده دارند؟ در صورت داشتن رسالت و وظیفه، چه الزامات حقوقی را باید پیش‌رو داشته باشند، تا به وسیله آن، الزامات را به قراراتی برای این مشارکت و تسهیم، تبدیل نموده و حقوق کثیره از دست رفته‌شان در همه بلاد اسلامی، به آنان سپرده و مستردگردد تا این نقش حاصل آید و زنان در سیری تاریخی، به تحرکی نوین اقدام کنند، تا امتی شایسته و مقتدر و متشکل به وجود آید و رسالت زن مسلمان در این رهپویه مقدس، روشن و نتیجه آفرین گردد.

در این راستا پژوهش حاضر در پی پاسخ به سؤالات زیر است:

۱. نقش زنان در فرآیند امت‌سازی اسلامی چیست و الزامات حقوقی ایفای این نقش

کدام‌اند؟

۲. «امت اسلامی» در منابع دینی و گفتمان انقلاب اسلامی چه ویژگی‌هایی دارد؟
۳. مشارکت زنان در رویدادهای تاریخی مانند هجرت، بیعت و جهاد چه نقشی در امت‌سازی ایفا کرده است؟
۴. الزامات فقهی و حقوقی حضور زنان در ساخت امت اسلامی چیست؟
۵. چگونه می‌توان جایگاه مادری، تربیت‌گری و تبلیغ‌گری زنان را در فرآیند امت‌سازی تقویت کرد؟
۶. نقش زنان در تبلیغ تهاجمی و تمدن‌سازی اسلامی چه ویژگی‌هایی دارد؟
۷. چگونه می‌توان زمینه‌های اجتماعی و حقوقی مشارکت زنان در امت‌سازی را در جوامع اسلامی تقویت کرد؟

پیشینه تحقیق

- پژوهش‌های قرآنی و فقهی در باب امت و مشارکت زنان: تفسیرهای قرآن کریم مانند «المیزان» علامه طباطبایی بارها به مفهوم «امت وسط» و جایگاه زن در جامعه دینی پرداخته‌اند.
- پژوهش‌های فقهی در آثار فقهای مانند صاحب جواهر، شیخ طوسی، و علامه حلی، در زمینه بیعت زنان، هجرت، جهاد، و مشارکت در مسائل اجتماعی دارای نکات مهمی درباره وظایف و حقوق زنان هستند.
- دیدگاه‌های رهبران انقلاب اسلامی: بیانات امام خمینی (رحمت الله علیه) و مقام معظم رهبری درباره اهمیت نقش زنان در خانواده، جامعه و تمدن‌سازی اسلامی، پشتوانه نظری مهمی برای تحلیل الزامات حقوقی مشارکت زنان فراهم کرده‌اند.
- خصوصاً تأکید بر اینکه زنان در انقلاب اسلامی ایران نه تنها همپای مردان بلکه در مواردی پیشگام بوده‌اند.
- اسناد رسمی جمهوری اسلامی:

منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان در نظام جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۳)* سند مهمی در تبیین حقوق سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و تمدنی زنان است که به مشارکت در ساخت امت اشاره دارد.

- مطالعات انتقادی پیرامون فمینیسم و غرب‌زدگی:

آثار روشنفکران مانند جلال آل احمد و همچنین نظریه‌پردازانی مانند ژوسلین سزاری و فرانتس فانون، نقدهایی بر ساختارهای غرب‌محور ارائه کرده‌اند که در مقاله نیز بازتاب یافته است.

روش پژوهش

روش پژوهش در این مقاله، روشی کیفی با رویکرد تحلیلی-تفسیری است که با بهره‌گیری از منابع اصیل اسلامی از جمله آیات قرآن، روایات، سیره معصومین، و دیدگاه‌های فقیهان و اندیشمندان اسلامی، به بررسی جایگاه و نقش زنان در فرایند «امت‌سازی» اسلامی پرداخته است.

نگارنده با تحلیل محتوای متون دینی و بهره‌گیری از بیانات امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه) و مقام معظم رهبری (حفظه‌الله‌تعالی)، تلاش کرده است الزامات حقوقی نقش‌آفرینی زنان را در تحقق امت واحد استخراج و تبیین نماید. در این راستا، از روش استنباطی برای استخراج احکام و وظایف و از روش اسنادی برای گردآوری داده‌های نظری استفاده شده است.

۱. تحلیل مفهومی «امت»

مفهوم «امت» یکی از بنیادی‌ترین مفاهیم اجتماعی-دینی در قرآن کریم و گفتمان اسلامی است که از ریشه «آم» به معنای قصد، هدف‌مندی، حرکت آگاهانه و جهت‌دار مشتق شده است. این واژه در کاربرد قرآنی، دلالت بر یک جمع انسانی دارد که با رهبری واحد، هدفی الهی و سلوکی مشترک، مسیر تحقق ارزش‌های توحیدی را طی می‌کنند. «امت»، نه صرفاً به معنای یک جامعه، قوم یا ملت، بلکه به معنای جامعه‌ای مؤمن، هماهنگ و متعهد در چارچوب یک گفتمان الهی است که از لحاظ معرفتی، اخلاقی، سیاسی و اجتماعی به بلوغ و انسجام رسیده است.

در قرآن کریم، واژه «امت» در معانی گوناگونی همچون کیش و آیین (بقره، ۱۲۸)، مردم دارای هدف و وحدت فکری (بقره، ۲۱۳)، و جامعه نمونه (بقره، ۱۴۳) به کار رفته است، اما معنای اصلی و محوری آن، جامعه‌ای هدف‌دار، با پیوند اعتقادی و تعهد جمعی در سایه رهبری الهی است. چنین جامعه‌ای، برخلاف جوامع متفرق و هویت‌باخته، از انسجام درونی، روحیه جمع‌گرایی، مشارکت فعال و تعهد نسبت به مسئولیت‌های دینی و اجتماعی برخوردار است.

از منظر قرآن، «امت» جامعه‌ای است که «وسط» است؛ یعنی متعادل، متوازن، الگو و گواه بر دیگر جوامع؛ «وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا...» (بقره، ۱۴۳). این آیه به خوبی نشان می‌دهد که «امت اسلامی» باید در جایگاهی قرارگیرد که هم شاخص عدالت و هدایت باشد، هم معیار ارزیابی و داوری بر دیگر جوامع.

از منظر اندیشه اسلامی، امت، یک واحد صرفاً انسانی و قراردادی نیست، بلکه حقیقتی اجتماعی و دینی است که با پیوندی قدسی و ولایی شکل می‌گیرد. بنابراین، عوامل طبیعی مانند نژاد، قومیت، مرزهای جغرافیایی یا زبان، اساس شکل‌گیری امت نیستند، بلکه ایمان، تعهد دینی، ولایت‌پذیری و مشارکت در یک گفتمان تمدنی مشترک، شالوده آن را تشکیل می‌دهند.

افزون بر این، «امت» در منطق دینی، نه فقط ساختاری حقوقی یا سیاسی، بلکه مقوله‌ای وجودی، هویتی و آرمانی است که به‌عنوان «مطلوب‌نهایی حرکت تاریخی جوامع مؤمن» مطرح می‌شود. از این رو، امت در نگاه قرآنی، پروژه‌ای جهانی، تمدنی، مشارکتی و فرامذهبی است که مأموریت آن مقابله با سلطه کفر و الحاد، ایجاد عدالت جهانی، و تحقق اراده الهی در تاریخ بشر است.

در چنین چارچوبی، همه آحاد جامعه مؤمن، اعم از زن و مرد، بدون تمایز جنسی، در شکل‌گیری و پیشبرد این پیکره واحد نقش دارند؛ همان‌گونه که قرآن کریم فرمود: «إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ... أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا» (احزاب، ۳۵).

این مشارکت همگانی، نه صرفاً دعوت به باور، بلکه دعوت به کنش و حضور در همه عرصه‌های حیات امت است: سیاست، تربیت، تبلیغ، جهاد، حکومت‌داری و تمدن‌سازی. در نتیجه، «امت» در تحلیل مفهومی خود، یک ساختار تاریخی-اجتماعی نیست، بلکه یک حقیقت اعتقادی-تمدنی است که می‌طلبد در پرتو ایمان، رهبری الهی و مشارکت مسئولانه، تحقق یابد. این ساختار، بر محور انسان کامل یا ولی الهی استوار است و با پیروی آگاهانه از او، به حیات طیبه‌ای دست می‌یابد که غایت همه ادیان الهی و هدف نهایی تاریخ بشر است.

۲. لزوم پیشگامی زنان در «امت‌سازی»

در طریق «امت»‌سازی حرکت انقلاب اسلامی و پیروزی غرورآفرین آن، در حقیقت آغازی گرانقدر است که با رهبری امام خمینی؛ تا سال ۱۳۶۸ از سه دهه پیش از آن آغاز شد و هم اکنون توسط خلف صالح، عادل، و متقی و سیّاس و فقیه آن با قوت و قدرتی تمام به پیش می‌رود و به نوعی الهام بخش تشکیل «امت واحد» جهانی با صبغه اسلامی است.

در حقیقت تشکیل «امت» با این شاکله، بسان اجتماعی مبارز است که در عرصه عالمی و جهانی در حال اعلام حضور و اعلام موجودیت است. ما باید اذعان کنیم، پس از فروپاشی اتحاد شوروی اسلام «امت» آخرین، به منزله دشمن سیاسی نوین غرب شناخته می‌شود. «اولاً؛ اسلام نوعی ایدئولوژی منسجم و یوتوپیاگرایانه است که بنیانی برای انتقاد از جوامع صنعتی و غربی به دست می‌دهد ثانیاً؛ ایدئولوژی اسلامی با ایدئولوژی غربی در تضاد است. این ویژگی‌ها در ترکیب با یکدیگر اسلام را از ریزه‌کاری و ظرافت‌های آن عاری می‌سازند و واژگان اسلام سیاسی را تحکیم می‌بخشند» (ژوسلین سزاری، ۱۳۹۹، ص ۲۷۳).

خصلت‌های یاد شده در اسلام برانگیزاننده هستند که لزوماً باید در جوامع مسلمانان آموزش داده شوند و همگان بر اساس این خصلت‌های عالی تربیت شوند. واضح است که آغاز این آموزش نهاد خانواده است و پشیران و موجد این تربیت، زنان هستند که فرزندان را تربیت می‌کنند و شوهران و هم‌کیشان خود را در این حرکت الهی تشویق می‌کنند. آنان

حکم نوعی رهبری را پیدا می‌کنند که در قالب کلان حرکت اجتماعی ظهور و بروز می‌یابد. رهبری خردمند انقلاب اسلامی، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (حفظه‌الله تعالی)، در این باره می‌فرماید:

«علت اینکه اسلام این قدر به نقش زن در داخل خانواده اهمیت می‌دهد، همین است که زن اگر به خانواده پایبند شد و علاقه نشان داد، به تربیت فرزند اهمیت داد، به بچه‌های خود رسید، آن‌ها را شیر داد، آن‌ها را در آغوش خود بزرگ کرد، برای آن‌ها آذوقه‌های فرهنگی، قصص، احکام، حکایت‌های قرآنی، ماجراهای آموزنده فراهم کرد و در هر فرصتی به فرزندان خود مثل غذای جسمانی چشانند، نسل‌ها در آن جامعه بالنده و رشید خواهند شد، این هنر زن است. منافاتی هم با درس خواندن و درس گفتن و کار کردن و ورود در سیاست و امثال این‌ها ندارد» (سیاهپوش و آقاپور، ۱۳۸۹، ص ۲۹۲).

باید به این نکته باور و اذعان داشت، که در تاریخ نورانی اسلام زنان زیادی، اسوه و الگوی «امت» آفرینی و «امت» سازی شده‌اند. زهرا (علیها سلام) و مادرش خدیجه کبری و دخترش زینب کبری (علیها السلام) و زنان بسیار دیگر در این امر ورود داشته‌اند که هر کدام فصلی مشعشع از نوشتار را به خود اختصاص می‌دهند.

۳. الزامات حقوقی ساخت «امت» توسط زنان

حضور در این فرآیند از پیشینه‌ای کهن برخوردار است ولی باید امروز به مثابه یک واقعیت غیرقابل اغماض مورد نگرش نهادهای اجتماعی و حکومتی و صاحبان اندیشه و به خصوص عالمان دین و نظریه‌سازان اندیشه‌های دینی قرار گیرد.

در جانمایه طرح سیاسی اسلام و در مباحث حقوق اساسی و سیاسی، یک رویکرد و طرح هدفمندانه و هوشمندانه است و جایگاه زن در این طرح سازنده، جایگاهی کلیدی و محوری است و به مثابه عاملی پیشران در مبانی دینی، از کتاب الهی (قرآن) و سنت تفسیری قرآن (روایت و سیره اهل بیت علیهم السلام) محسوب می‌گردد.

این مسئله در کلیه نظامات اسلامی، اعم از نظام حقوقی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و ... به عنوان راهبردی‌ترین مسئله مطرح است که زن از سوی همه این نظامات

محور قرار دارد و در این مسئله هیچ گونه شک و تردید و انکاری جای ندارد و همین نظامات هستند که پس از شکل گیری و نفوذ در اندیشه‌ها و خرده‌ها و رویکردهای نظری و عملی انسان‌ها در درون اجتماع، قادر است، آرمان موجودیت کند «امت اسلامی» یا «امت واحد» اسلامی را به منصه عینیت و عمل برساند.

الزام‌های طی چنین فرآیندی در مرحله نقش آفرینی زن در «امت» سازی هم ریشه در ساختمان کلی دین دارد و هم اساساً یک مسئله حقوقی است که در اکثر ممالک اسلامی به حقی فراموش شده و بعضاً حقی نادیده گرفته شده است که در نتیجه آن، بسیاری از دولت‌های مسلمین، به تبعیت از آموزه‌های غربی و به دلیل فاصله فراوان حاکمان کشورهای مسلمین از حقایق نورانی اسلامی، در تقابل با آن قرار می‌گیرند. که نتیجه‌ای جز عقب ماندگی حقوق زنان در کشورهای مسلمین (تأکید می‌ورزم، کشورهای مسلمین و نه اسلامی، به دلیل عدم حاکمیت اسلام در اکثر این ممالک)، نداشته است و امروز، همچنان با چالش‌ها و افت‌های فراوانی روبه‌رو است.

۴. نقش «امت‌سازی» زنان در مستندات اسلامی

این مسئله از منظر فقه اسلامی مورد توجه تأکید قرار دارد که زنان می‌باید در حرکت‌های مهم اجتماعی، تاریخی، نقش بیافرینند.

یکی از عمده‌ترین این نقش‌ها، نقش «امت» سازی است. اما متأسفانه علی‌رغم گذشت ۴۷ سال از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، هنوز در باب مبانی و رویکردهای مسئله «امت» آفرینی به طور عام و نقش زنان به طور خاص در این رویکرد مبنايي، سخن و یا نظریه روشنی بیان نشده است؛ که باید این نوع مطالعات در دامن فقه اسلامی صورت گیرد و هر اندازه در این باب سستی و اهمال شود فاصله ما از غایت تفکر اسلامی، سنگین‌تر و طولانی‌تر خواهد شد.

به هر روی، این مسئله جای بحث‌های فقهی، حقوقی و نظری بسیاری را برمی‌تابد که عالمان و فقیهان با توجه به ظرفیت عظیم فقه اسلامی آن را پی‌گیرند و راهی روشن و آمیخته با معارفی والا را فرا روی زن مسلمان انقلاب اسلامی بنهند تا رسالت آنان (هم

عالمان و فقیهان در عرصه تبیینی) و (هم زنان در عرصه عملی سازی شکل‌گیری «امت» به خوبی ایفا گردد. اکنون به چند الزام حقوقی آن، که باید در فقه اسلامی، به صورت روزآمد و پاسخگو به آن پرداخته شود را مورد اشاره قرار می‌دهیم:

۴-۱. تسلیم و تشریک زنان در «امت سازی» اسلامی

واگذاری سهم و میزان مشارکت زنان در فرآیند «امت سازی، امری است که هم حق طبیعی و هم حق ذاتی و هم حق مشروع زنان است. ممکن است در این مسئله، حساسیت‌هایی وجود داشته باشد و آن، این است که لازمه این تسهیم و تشریک، ارتباط با مردان است. آیا قرآن مجید و روایات و آموزه‌های فقه اسلامی، این ارتباط را تأیید می‌کنند یا به تقابل با آن می‌پردازد؟ پاسخ اجمالی آن این است؛ شریعت اسلامی (آیات، روایات، فقه دریافت شده از آنها)، حضور اجتماعی زن و در صورت نیاز برای ارتباط با مردان، در دایره شریعت و با رعایت مقررات اسلامی آن را تأیید می‌کنند مضاف بر این، موارد بسیاری در فرآیند «امت» آفرینی وجود دارد که نیاز چندانی به ارتباط با مردان در آن موارد وجود ندارد. یعنی برخی موارد مشترک مردان و زنان است که با رعایت مقررات اسلامی انجام می‌شود و موارد خاص خود جامعه زنان است. این مسئله در شریعت اسلامی مورد تأیید و حتی تأکید و در صورت تخلف مکلف، مورد سؤال و استنطاق شریعت هم قرار می‌گیرد. نمونه‌های فراوانی هست که در تاریخ اسلامی، این سهم و مشارکت مورد عنایت اسلام قرار گرفته است که ذیلاً نام می‌بریم پیغمبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) که در همه این موارد، زنان را سهیم فرموده و تشریک آنان را عملی فرموده است. همه این موارد را هم در فقه اسلامی به عنوان سنت رسول اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و عمل آن حضرت، معیار و شاخص فقه اسلامی قرار گرفته است.

۴-۱-۱. مشارکت زنان در مسأله هجرت

هجرت پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، مهم‌ترین حرکت سیاسی آن حضرت بود که به دستورالهی صورت گرفته و مبنای تشکیل «امت اسلامی» قرار گرفت. در سوره مبارکه نساء در آیه ۹۷، چنین می‌بینیم.

«...قَالُوا فِيمَ كُنْتُمْ قَالُوا كُنَّا مُسْتَضْعَفِينَ فِي الْأَرْضِ قَالُوا أَلَمْ تَكُنْ أَرْضُ اللَّهِ وَاسِعَةً فَتُهَاجِرُوا فِيهَا فَأُولَئِكَ مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَسَاءَتْ مَصِيرًا إِلَّا الْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ لَا يَسْتَطِيعُونَ حِيلَةً وَلَا يَهْتَدُونَ سَبِيلًا» (نساء، ۹۷-۹۸)

فرشتگان (به آنانی که جانشان را گرفته‌اند) به آنان می‌گویند: در چه حالی بودید و چگونه؟ چرا به دین الهی پایبند نبودید؟

می‌گویند: ما در این سرزمین تحت سیطره کفر و شرک، ناتوان شمرده شده بودیم، فرشتگان می‌گویند مگر زمین خدا گسترده نبودید که در آن هجرت کنید و به سرزمینی بروید که بتوانید خود را ننگه دارید؟ جایگاهشان دوزخ است و آن، بد بازگشت گاهی است. - مگر آن مردان و زنان و کودکان زبون شده‌ای که نمی‌توانند برای رهایی خود چاره‌ای بیندیشند و راهی برای خروج از تحت سیطره کافران نمی‌یابند (طباطبایی، ۱۳۸۵، ص ۹۴).

در این آیات، اقدام هدفمندانه به هجرت است که زنان و مردانی (هر دو) در آن سهیم بوده و باید این نقش بزرگ آفریده گردد و در جریان «امت» سازی، حرکتی مشهود و عینی صورت پذیرد.

در سوره ممتحنه می‌فرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا جَاءَكُمُ الْمُؤْمِنَاتُ مُهَاجِرَاتٍ فَامْتَحِنُوهُنَّ اللَّهُ أَعْلَمُ بِإِيمَانِهِنَّ فَإِنْ عَلِمْتُمُوهُنَّ مُؤْمِنَاتٍ فَلَا تَرْجِعُوهُنَّ إِلَى الْكُفَّارِ لَا هُنَّ حِلٌّ لَّهُمْ وَلَا هُمْ يَحِلُّونَ لَهُنَّ وَآتُوهُنَّ مَا أَنْفَقُوا وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ أَنْ تَنْكِحُوهُنَّ إِذَا آتَيْتُمُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ وَلَا تُمْسِكُوا بِعِصَمِ الْكُوفَرِ وَاسْأَلُوا مَا أَنْفَقْتُمْ وَلْيَسْأَلُوا مَا أَنْفَقُوا ذَلِكَمُ حُكْمُ اللَّهِ يُحْكُمُ بَيْنَكُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ» (ممتحنه، ۱۰)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، زمانی که زنان با ایمان به مدینه هجرت

کردند و نزد شما آمدند و آنان را در مورد هجرت و ایمان بیازمایید، خداوند به ایمانشان داناتر است. پس اگر با ایمانشان یافتید، به آنان را به کافران باز نگردانید، نه زنان با ایمان بر مردان کافر حلالند و نه کافران بر زنان با ایمان، (چرا که با ایمان آوری زنان، پیمانشان گسسته

است) و باید به شوهران آنها مهریه‌های را که داده‌اند بپردازید و بر شما گناهی نیست که با این زنان ازدواج نمایید به شرط آنکه مهرشان را بپردازید و شما بعد از ایمان آوردن آنان نباید زنان کافر را در همسری نگه دارید و اگر همسر شما به کافران پیوست، از آنان مهریه‌های را که به همسرانتان داده‌اید، بستانید و کافران نیز حق دارند اگر همسرانشان به شما پیوستند و مهریه آنها را از شما بستانند. این است حکم خدا که میان شما را داوری می‌کند و خداوند دانا و با حکمت است. (طباطبایی، ۱۳۹۳، ج ۱۶، ص ۵۵۰)

در این زمینه، ذیل سوره مبارکه ممتحنه مفسران سخن‌ها بسیار گفته‌اند و در مبانی فقهی توسط فقیهانی همچون «صاحب جواهر» استدلال‌های فقهی پرارزشی شده که به جهت خودداری از تطویل، به آنها نمی‌پردازیم.

در خصوص همین امر الهی است که حضرت زهرا (سلام الله علیها)، در ماجرای هجرت حضور یافتند و بسیاری از زنان مؤمنه دیگر به ایشان پیوستند و در فرآیند «امت» آفرین سهیم و شریک گردیدند؛ که در مسیر این هجرت، مورد هجوم مشرکان قرار گرفتند که با رشادت و غیرت حمیت الهی علی (علیه السلام) از آنان رفع خطر گردید.

دو قافله کوچک، شب را در میانه راه مکه و مدینه (سرزمین الضنجان) اقامت کرده و با دعا و عبادت شب را به صبح رساندند این شب زنده‌داری، نزول آیه ۱۹۵ سوره آل عمران را در پی داشت (بهرام، ۱۳۹۹، ص ۸۲).

«فَاسْتَجَابَ لَهُمْ رَبُّهُمْ أَنِّي لَا أُضِيعُ عَمَلَ عَامِلٍ مِنْكُمْ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَى بَعْضُكُمْ مِنْ بَعْضٍ فَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَأُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَأُوذُوا فِي سَبِيلِي وَقَاتَلُوا وَقُتِلُوا لَأُكَفِّرَنَّ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَلَأُدْخِلَنَّهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ثَوَابًا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الثَّوَابِ» (آل عمران، ۱۹۵)؛ پس خداوند دعایشان را اجابت فرمود، به آنان پاسخ داد که من عمل نیک هیچ عمل‌کننده‌ای از شما را مرد باشد بازن و آگاه نمی‌سازم و پاداش آن را به طور کامل می‌دهم، شما همه از یکدیگر گردید و برخی بر دیگران برتری ندارند پس هنگامی که هجرت کردید و از دیار خود بیرون رانده شلند و در راه من آزار دیدند و جنگیدند و کشتند و کشته شدند، گناهانشان را از آنها می‌زداییم و می‌پوشانیم و آنها را

در بوستان‌های بهشت که نه‌های آبی از زیر آنها جاری است در می‌آوریم، این، پاداش آنها است، پاداشی از نزد خدا و خداوند است که بهترین پاداش‌ها در نزد او است.

۴-۱-۲. تسهیم و مشارکت زنان در امر بیعت

در تاریخ پر افتخار پرفروغ اسلامی، بیعت، شکوهمندترین حرکتی بوده که در آغاز این لحظات تاریخ اسلامی رقم خورده است بیعتی که آغاز یک فصل شکوهمند تاریخی است و اسلام را در شرایط نوینی قرار داده است، که اگر نبود، حرکت‌های بعدی تاریخ رسالت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) رقم نمی‌خورد. مفهوم والای بیعت نشانگر این حقیقت عالی و راهگشا است؛ که در مسیر آفرینش «امت» و به صحنه آوردن آن، به عنوان یک کلیت اجتماعی و تاریخی و سیاسی، بیعت‌کنندگان تعهد می‌سپارند که در هر شرایط و موقعیتی از اوامر امام و رهبر جامعه اسلامی اطاعت نمایند و در راستای اوامرش از خود هیچ اختیاری را نخواهند و مطیع خالص بی شائبه رهبری باشند. «إِنَّ الَّذِينَ يَبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَى نَفْسِهِ وَمَنْ أَوْفَى بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ اللَّهُ فَمِيسُورٌ إِلَيْهِ أَجْرًا عَظِيمًا» (فتح، ۱۰). به راستی کسانی که با تو بیعت می‌کنند، همانا با خدا بیعت می‌کنند دست تو به منزله دست خدا است که برای بیعت بالای دست آنها قرار دارند، پس هر کس بیعتش را با تو بشکند، بیعت با خدا را شکسته است. هر کس بر پیمانی که با خدا، بسته وفادار بماند، به زودی خداوند پاداشی بزرگ به او عنایت خواهد کرد. بیعت زنان، فرایند «امت»‌سازی را تقویت نمود و مشارکت آنان در این امر مشوقی بزرگ برای نو مسلمانان گردید.

ماجرای بیعت زنان در سوره ممتحنه، بسیار با شرایط و شکوه و برنامه جذابی تصویر گردیده؛ که به غرض خودداری از تطویل، آن را باز نمی‌گوییم مواردی این چنین در سیره رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم)، به عنوان برهان سنت و مورد عمل قرار گرفته که به ذکر نام آنها بسنده می‌نمایم:

۱. استقلال دادن به زنان در کسب درآمد (تهرانی، ۱۳۶۵، ج ۲۸، ص ۴۱۱).

۲. تصرف زنان در اموال خود (حلی، ۱۴۱۰ق، ص ۱۵۹).

۳. میدان دادن به فعالیت‌های اقتصادی نظیر بافندگی (معزی، ۱۳۹۲، ص ۷۱۵)

۴. آرایشگری (همان) عطر فروشی (حکیمی، ۱۳۸۰، ص ۳۷۷)

۵. شرکت در آیین‌های مذهبی و مراسم حج (ر.ک: ابن عربی، ۱۴۰۸ق، ج ۱).

و... که همه این‌ها نشانگر تسهیم، تشریک و میدان دادن به فعالیت‌های زنان در مسیر ساخت جامعه و «امت» اسلامی است.

این گونه نگاه، نتیجه‌مند است، نخست آنکه، زن را از حاشیه‌ای بودن و فرعی پنداشتن و یا چنانکه در جریان تفکر لیبرالی غرب با رویکرد فمینیستی مشهود است، به شیئی بودن خارج نموده و وی را میدان‌دار حرکت اجتماعی می‌سازد و او را توانمند فعال و نقش‌آفرین به بار می‌آورد و در هنگامه تبلور در صحنه جهانی، او را در فرایند ساخت «امت اسلامی» یا «امت معموره» و به عبارتی «امت واحده و خالده» حساس، فعال و پیشگام و نقش‌آفرین به بار آورده و میدان‌داری این امر مقدس را به او می‌سپارد و دوم آنکه ساختار فکری زنی را در جهت نقش‌آفرینی در تبلیغ حقیقت و «بلاغ مبین» فعال پویا و در بسیاری موارد، مهاجم به اندیشه‌های انحرافی به بار می‌آورد.

۴-۲. حق واگذاری نقش و مسئولیت به زنان

در نگاهی حقوقی به مسئله زنان، به خوبی در می‌یابیم که در اندیشه فقهی و حقوقی اسلام، «زن» مظهر جمال جمیل الهی است و از این حیث در راستای نقش‌آفرینی آنان، حق واگذاری مسئولیت به آنان حقی طبیعی، فطری، ذاتی و قراردادی است که باید به آنان وا نهاده شود.

این مسئله در همه ساحت‌ها مطرح است، مانند تربیت، اداره زندگی، نقش‌آفرین تربیتی، هداگیرانه معیشتی، اقتصادی، فرهنگی و اما آنچه که در بحث ما، مورد نظر است واگذاری نقش و دادن مسئولیت به زنان در خصوص آفرینش «امت»، در گستره فراگیر اجتماعی و جهانی است.

در منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان در نظام جمهوری اسلامی مصوب ۱۳۸۳/۰۶/۳۱، در شورای عالی انقلاب فرهنگی، به مسئولیتها و نقش‌آفرینی‌های زنان در نظام جمهوری

اسلامی ایران با الهام از مبانی فقهی و حقوقی شریعت اسلامی مطرح شده و در آن ۱۴۸ حق که تلفیقی از حقوق طبیعی، فطری، الهی، اعتباری منوط به شریعت و ذاتی است، درج گردیده که اگر در عناوین فوق و یاد شده دقت شود، خود این منشور، نوعی از نقش آفرینی زن را در فرایند «امت» سازی و ساخت امت اسلامی توضیح می‌دهد حقوقی مانند مسئولیت‌های سیاسی زنان در فصل چهارم ماده الف و مانند حق کسب آگاهی مشارکت در امور جامعه، آزادی قلم و بیان در محدوده مسئولیت، تأسیس احزاب، آگاهی از مسائل سیاسی جهان، ارتباطات حق شرکت در مجامع بین‌المللی، مسائل سیاسی جهان اسلام، تقویت همبستگی توسط آنان و تحکیم عادلانه صلح جهانی، همه از اموری هستند که مسئولیت زنان را در فرایند «امت» به خوبی توضیح می‌دهد (منشور حقوقی و مسئولیت‌های زنان در جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۳/۰۶/۳۱).

در این منشور؛ که نشانگر عظمت دیدگاه نظام اسلامی به زن می‌باشد، زن را در فرایند امور و در راستای تأسیس جمعیت‌ها و تشکلات دارای حق و نقش می‌داند، از جمله دستاوردهای آن، حداقل دو امر مهم است.

۱- قدرت واژگونی و وضعیت‌های نابهنجار تاریخی و اجتماعی و...

۲- قدرت تدوین، تأسیس و نهاد سازی درونی و جهانی

این دو دستاورد، می‌تواند محور نوشتارهای فراوانی قرار گیرد. که در این جستار به ذکر عنوانش اکتفا می‌کنیم، پر واضح است که این دو دستاورد: «امت» آفرینی را در روح حرکت‌های هدفمندانه زنان قرار می‌دهد.

۴-۳. بالا بردن اعتبار مادری و وانهادن سهم بالای تربیت به زنان

اعتلا بخشی به اعتبار والای مادری نسبت به زنان و مادران و وانهادن سهم بالای تربیت به زنان، نقش کم‌نظیر در جریان ساخت «امت معموره و خالده و اسلامی» ایفا می‌کند. زیرا ساخت امت اسلام، دارای منطق، روش و سیری معقول است که متأسفانه مغفول است.

تربیت انسان شایسته الهی زن و اعتلای نقش مادری، و دیدن و وانهادن سهم اصلی به مادران و زنان برای امر تربیت؟ به طور قهری و منطقی می‌تواند سیر «امت» سازی را آغاز، تسریع، تقویت و فتح و پر نتیجه بنماید، که اندکی را در این باب، توضیح می‌دهیم:

نکته‌ای را در این موقعیت اشاره می‌کنیم و آن این است که در نظام سرمایه‌داری و مبتنی بر دموکراسی لیبرال، هنگامی که درباره فمینیسم صحبت می‌شود، بحث درباره «نقش زن» و اعتبار او مطرح می‌گردد. رویکرد غالب در این گفتگو، نقش زن در تولید و اقتصاد است و نهایتاً بحث به سمت لذت و سود مردان متمایل می‌شود که این مطالب از طریق منابع و متون علمی و اجتماعی قابل دریافت است.

اما در اندیشه اسلامی به نقش مادری و سهم زن در فرایندهای اجتماعی را هاله‌ای از کرامت و قدسیت و معنویت و عقلانیت فرا گرفته، نقشی که مردان را به آسمان قدسیت و کرامت و جامعه را به تارنمای رنگ الهی و رهایی بخشی انسان و اعتلای انسانیت پیوند می‌زند.

در تفکر غربی، فمینیسم شاخه‌ای از تفکر لیبرالیسم است که کاملاً مبنای نفس‌مدارانه دارد و به رهایی از قید مذهب و دین و حتی دولت می‌انجامد (فرد انگاری رادیکال موجود در (فمینیسم)، لیبرالیسم، نافی مفاهیمی از قبیل نوع‌دوستی است تضارب منافع و حرص و آزمندی به منظور کسب نفع شخصی، انسان را مبدل به «گرگ انسان» می‌کند. (زارعی، ۱۳۹۵، ص ۳۸).

درنحله‌های فمینیستی (لیبرال، مارکسیستی، سوسیالیستی)، مسائلی چون نگاه ابزاری و طفیلی به زن، قائل شدن ذات مردانه و زنان، جدایی از نهاد خانواده، ترویج بی‌بندباری شده باری، تخریب مبانی اخلاق و فراموشی کرامت ذاتی زن و... را در پی دارند.

اما در اندیشه متعالی اسلامی، آزادی زن در بی‌بندباری محکوم گردیده و با الگوی الهی و فطرت محور، زن را موجودی الهی و مظهری از جمال خود معرفی می‌نماید که در این الگو زن و مرد با یکدیگر ازدواج می‌کنند فرزندان از آنها به وجود می‌آید و در تربیت، وجودی الهی می‌یابند که تا ملکوت خداوند به پیش می‌روند وزن، در این ماجرا اصل و قاعده است.

در تفکر اسلامی اعتبار مادری والاترین است و این مسئله را در رتبه نخست حرکت زن و حیات فردی و اجتماعی او قرار داده است. بالا بردن اعتبار مادری به مفهوم «حمایت» از جامعه زنان در راستای ایجاد تعادل بین نقش زن در نهاد خانواده و بالا بردن همین اعتبار در جامعه است؛ که در این خصوص حمایت‌های معنوی، مالی، اجتماعی و قانونگذاری به گونه‌ای که حقوق آنان در هنگام بارداری و بعد از آن تضمین گردد تا آنان با خطری آسوده به نقش تربیتی، هدایتی انقلابی خودشان بپردازند که لزوماً تغییر نگرش‌ها اجتماعی در حق آنان نیز با همین نحوه رفتار، صورت گیرد این مسئله یک ضرورت اجتماعی است که نهاد حاکمیت، جامعه علمی (حوزه‌های علمی، دانشگاه‌ها، نهادهای فرهنگی و وکیل) در این مسئله باید دست اندر کار اینگونه حمایتی باشند.

در این نوع رویکرد حمایتی از زن، در او احساسی عالی رقم خواهد خورد و آن احساس «شرکت در یک فرایند» فرایند ساخت دیگران و تیران و تاثیرگذاری بر آنان، که در چنین روندی تنها حفظ و پرورش جسم کودکش مطرح نیست، بلکه تکامل بخشی به انسان کلی، هر کسی که باشد، از هر نژاد و گروه اجتماعی و... که باشد. او را به تکامل رساندن و به درون یک مجموعه مقدس (امت) وارد نمودن، و با این نوع نگرش، اعتبار مادری در اندیشه اسلامی، اعتباری در حد والای قهرمان ساختن است. همچون فاطمه زهرا (علیها سلام)، قهرمان مادری و انسان‌سازی در گونه حسین بن علی و حسن بن علی (سلام الله علیها) ساخت دختری همچون زینب (علیها سلام) که همه‌شان است «امت» آفرین شدند. این که در قرآن مجید، زنان بزرگی به عنوان اسوه و الگور همه (مردان - زنان) معرفی شده‌اند، به دلیل همین خصوصیت ممتاز بوده است. فاطمه سلام علیها کوثر معرفی می‌شود: در «انا اعطیناک الکوثر» (کوثر، ۱) ما به تو خیر کثیر عنایت کردیم.

و در سوره تحریم آیه ۱۱ و ۱۲ دو زن را الگو معرفی فرموده است:

«وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَنَجِّنِي مِنَ فِرْعَوْنَ وَعَمَلِهِ وَنَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ» (تحریم، ۱۱) و خداوند برای مؤمنان به همسر فرعون (آسیه) مثل زده است، آنگاه که گفت: خدایا خانه‌ای برای من نزد خودت در

بهشت فراهم فرما و مرا از فرغون و کارهای او نجات ده و مرا از ستمگران خلاصی عنایت فرما. «وَمَرْيَمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَتُ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهِ مِنْ رُوحِنَا وَصَدَّقْتُ بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا وَكُتِبَ عَلَيْهَا وَكَانَتْ مِنَ الْقَانِتِينَ» (تحریم، ۱۲) و به مریم دختر عمران مثلی زده که دامن خویش را پاک داشت و ما از روح خود در آن دمیدیم و کلمات خدا را تصدیق نمود و نیز کتاب‌های خدا را تصدیق کرد و از مطیعان امر الهی بود.

۴-۴. تشریک و تسهیم زنان در تمدن‌سازی اسلامی

تمدن در لغت به معنای شهرنشینی، خوی شهری گزیدن و انتقال از حالت بربریت و توحش به انس و پیشرفتگی و معرفت و خروج از جهل است، که غرض نهایی، نوعی از سیری تکاملی همگرایی انسانی، رشد و کمال جامعه انسانی در ابعاد مختلف علمی، ارزشی، اخلاقی، معرفتی و فرهنگی است. تمدن؛ «مجموعه تدابیری است که انسان برای استفاده از مواهب هستی به کار می‌برد.» (شمیم، ۱۳۴۴، ص ۳۰۵) و «زندگی توأم با نظم علمی، با تجربیات خوب زندگی، استفاده از پیشرفت‌های زندگی است» (بیانات امام خامنه‌ای، ۱۳۷۶/۱۱/۱۴).

در روند تاریخی پیدایش تمدن اسلامی، زن حضوری جدی داشته و با توجه به تغییرات فرهنگی جوامع انسانی و حرکت‌های استعماری در جهان، امروزه نقش زن در این مقوله پررنگ‌تر می‌نماید، خصوصاً اینکه مجموعه جهان اسلام، نیاز به بازسازی تمدن اسلامی دارد و باید نقش زن فعال‌تر و گسترده‌تر و پرمحتواتر از گذشته خود را نشان بدهد و زن بسان عاملی مؤثر در تغییر نگرش‌ها، ارزش‌ها و تولید علوم دانش‌ها و صدور آن به جهان معاصر، نقش کلیدی و محوری خود را ایفا نماید در خصوص این آفرینش تمدنی، زدودن نابرابری جنسیتی است که در ذات تفکر و اندیشه اسلامی نهفته شده، اما امروز می‌طلبد که زن را پیشگام آفرینش این تمدن قرار داد و زمینه‌ها و معادات و لوازم این نقش آفرین را پررنگ‌تر مطرح نمود.

اسلامی هم اکنون از طیف وسیعی از آسیب‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، علمی و معرفتی و... رنج می‌برد که همگی مسلمانان را بدون ملاحظه جنسیتی، از نقش آفرینی مناسب باز داشته‌است.

مواجهه با تحریفات و تبلیغات مسموم، واژگونه سازی نقش زن در دوره معاصر تبلیغات گسترده علیه اندیشه اسلامی در مورد زنان که از ناحیه مخالفان تمدن اسلامی مطرح می‌شود و رسالتی سهمگین و بزرگ را بر عهده مسلمانان در طلیعه آن، زنان قرار می‌دهد که این نقش اسلامی، معنوی والهی را تثبیت و ایفا نمایند.

«در ایجاد تمدن نوین اسلامی یک حکمرانی خوب و منوط به برقراری برابری جنسیتی و احقاق حقوق زنان است؟ در تمدن اسلامی اگر حقوق زنان برای تحصیل مناسب و شغل و دیگر آفرینش‌ها، نادیده گرفته شود. و تعادل (وجودی) تمدن اسلامی آسیب می‌بیند و مانع توانایی در فرایند جامعه سازی می‌شود.» (آخمتو، ۲۰۱۶م، ص ۲) در آفرینش این نقش بزرگ تمدنی، زنان باید در عرصه‌های علمی، اقتصادی، فرهنگی، مادی و معنوی و نقش مادرانه جامعه سازی، راه اندازی مراکز آموزشی، علمی و کلیه واقعیت‌های ی که ساخت تمدن اسلامی را برآورده می‌سازد. مشارکت فعال و سهمی والا را به خود اختصاص دهند.

۴-۵. رسالت زن در تبلیغ تهاجمی و ترکیبی

عنوان تبلیغ تهاجمی و در راستای آن، تبلیغ و جنگ ترکیبی در برابر دشمنان اسلام، چیزهایی هستند که در تعبیر حضرت آیه الله امام خامنه‌ای، به عنوان راهبرد نوین تبلیغی حوزه‌های علمیه مطرح شده‌اند، این، نوعی از مهندسی فرهنگی نوین جامعه اسلامی است. تبلیغ تهاجمی، در واقع تهاجم در برابر تهاجم است. یعنی تهاجمی است بر اساس ارزش‌ها، اصول و مبانی مترقی اسلام در برابر تهاجم فرهنگ مقبول و فاسد غربی در این دو گانه، ما به عنوان کلیت و واقعیت اسلامی در برابر فرهنگ مهاجم غربی به عنوان مدعی، صاحب حق و به عنوان دفاع از کلیت خویش در برابر مهاجمانی بی منطق، فاقد فکر و اندیشه انسانی مطالبه‌گری می‌کنیم و به مبانی مبتدل کلیت غرب، هجوم فکری فرهنگی می‌بریم و در یک روی آورد، سه کار بزرگ را انجام می‌دهیم:

۱- مطالبه حقوق از دست رفته، به صورتی مجدانه دائمی

۲- ارائه فرهنگ غنی اسلامی به جهان تحت سلطه، و در معرض فریب‌های شیطانی غرب

۳- هجوم به یک کلیت مبتدل

حقیقت تاریخی این است که از زمان پیدایش غرب به عنوان کلیتی استعماری و سلطه‌گر همواره در برابر جهان غیرغرب خصوصاً جهان اسلامی، غرب، مهاجم بوده و چنان در جهان اسلامی به وسیله عوامل و ایادی داخلی غرب در کشورها و ممالک اسلامی تبلیغ کردند که خودی در جبهه بیگانه و حتی قوی‌تر از او قرار گرفت.

«ژان پل سارتر» در مقدمه‌ای که بر کتاب «مغضوبین زمین»، اثر روشنفکر آفریقایی، «فرانتس فانون» نوشته است، چنین می‌نگارد: «ما عده‌ای از جوانان آفریقایی و آسیایی را چند ماهی به آمستردام، پاریس، لندن و پروکسل... می‌آوریم و می‌گردانیم، پس از چند روزی لباس اروپایی می‌پوشانیمشان و اصطلاح اروپایی را به دهانشان می‌ریزیم و از محتویات فرهنگی خودشان خالی‌شان می‌کنیم، آنگاه این‌ها شکل بلندگوهای پوک و پوچی می‌گردند، که باید به کشورهایشان بازگردانیم، ... و اینها مثل یک دره، مثل یک آب انبار هر چه را که بگویم، بی‌آنکه معنایش را بفهمند؛ باز می‌گویند و آنچه بکنیم، در حد ادا در آوردنی می‌کنند و می‌پندارند که خودشانند که دارند می‌گویند و می‌کنند. این‌ها آسمیلیه^۱ هستند» (پل سارتر، بی‌تا، ص ۱).

و در موردی دیگر از قول «فانون» می‌نویسد: «وقتمان را با ورد خوان‌های دور و دراز و بیهوده و تقلیدهای تهوع‌آور تلف نکنیم بیاید این اروپایی را که دائم از انسان حرف می‌زند، در حالی که در گوشه و کنار جهان هر جا انسانی را بیاید کشتار می‌کندترک گوئیم... قرن‌ها است که این اروپا، به نام «انسانه معنوی» ادعایی، تمامیت انسانیت را خفه می‌کند» (فانون، بی‌تا، ص ۱).

متأسفانه عده کثیری پژواک دوبله صدای غریبها شدند و در ممالک اسلامی، ضدیت با فرهنگ خودی اسلامی و غربی‌شدی را ترویج کردند و هر چه را که غربی بر ضد اسلام

^۱ به معنای تشبیه به بیگانه است. «من تشبیه بقوم فهو منهم»

در یافت و شریعت و استقلال و عزت و عظمت و خودیت ملی، فرهنگی، تاریخی و اسلامی بود را مضمحل کردند و وابستگی‌های متنوعی را ایجاد کردند، و به قول جلال آل احمد ما را مضمحل کردند» (آل احمد، ۲۵۳۶ شانشاهی، ص ۲۸).

حضرت آیت الله خامنه‌ای (حفظه الله تعالی) در دیدار با بانوان نجبه کشور، جمله رسا و تعبیری هوشمندانه را بیان فرمودند: «من یک وقتی گفتم: از من سؤال کردند که شما در مقابل آنچه که غربی‌ها درباره مسئله زن در کشور می‌گویند چه دفاعی دارید؟ من گفتم: ما دفاع نداریم، ما هجوم داریم! ما در مسئله زن از غرب طلبکاریم ما مدعی غریبیم، آنها هستند که دارند به زنان ظلم می‌کنند، زن را تحقیر می‌کنند، جایگاه زن را پایین می‌آورند، به اسم آزادی، به اسم اشتغال و به اسم مسئولیت دادن پایین آنها را مورد فشارهای روحی، روانی، عاطفی و اهانت شخصیتی و شأنی قرار می‌دهند، آنها باید جواب بدهند» (خامنه‌ای، ۱۳۸۹، ص ۲۲۲).

در همین راستا و بانگاهی حتی فراتر از آن، رهبری حکیم و فقیه و فرزانه انقلاب اسلامی، مسئله تهاجم در تبلیغ یا تبلیغ تهاجمی را مطرح فرمودند، به این معنا که باید در برابر فرهنگ‌های معارض با اسلام، خصوصاً فرهنگ مبتذل غربی، موضع تهاجمی داشتن در تبلیغ را مطرح فرمودند.

۵. جایگاه زنان در انقلاب اسلامی ایران

حقیقت مشهود و محسوس و نمایان در انقلاب مبارک اسلامی این است که در انقلاب اسلامی ایران، زنان همدوش مردان و حتی جلوتر از آنان به عنوان روندی و پیشران مطرح بوده و می‌باشند.

در این انقلاب مبارک، تحول فکری و روحی زنان، حضور در صحنه‌های غرور آفرین انقلابی، وجود انگیزه‌های مقدس والا در زنان، حضور زن در عرصه‌های عملی، اقتصادی، سیاسی، تاریخی، حضور در عرصه‌های نظامی، جنگ و سرنگونی نظام وابسته شاهنشاهی، حق رأی و انتخابات، حضور به عنوان نماینده در مجلس شورای اسلامی و... همه از مظاهر رفعت و بلندی شأن والای زن در انقلاب اسلامی و نظام اسلامی است.

امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه)؛ در بیانی والایی می‌فرمایند: «بانوان ایران در این نهضت و انقلاب، سهم بیش‌تری از مردان دارند... در تربیتی که اشتغال دارند، باز سهم بزرگی در این انقلاب دارند» (امام خمینی، ۱۳۸۲، ج ۱۴، ص ۳۵۵).

نیز فرموده‌اند: «زن یکتا موجودی است که می‌تواند از دامن خود افرادی به جامعه تحویل دهد که از برکاتشان یک جامعه، بلکه جامعه‌ها به استقامت و ارزش‌های والای انسانی کشیده شوند» (امام خمینی، ۱۳۸۲، ج ۱۶، ص ۱۹۲).

در اندیشه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (حفظه‌الله‌تعالی)، رهبری حکیم و هوشیار انقلاب اسلامی، زن در انقلاب اسلامی به جایگاه اصیل خودش بسیار نزدیک شده و نقش‌آفرینی‌های بسیاری نموده است. در بخشی از بیانات خودشان فرموده‌اند:

«بعد از پیروزی انقلاب درباره زن و تلاش برای دفاع از حقوق زنان، فعالیت‌های زیادی شده است، پیش‌قراول این تجلیل هم امام بزرگوار بود که با همه وجود برای زن ایرانی مسلمان ارزش و احترام قائل بود، همین بینش بود که موجب شد زنان کشور در انقلاب اسلامی ایران سهم بزرگی را ایفا کردند، به طوری که اگر حضور زنان در نهضت انقلابی ملت ایران نمی‌بود، به احتمال زیاد این انقلاب به این شکل پیروز نمی‌شد، یا اصلاً پیروز نمی‌شد، یا مشکلات بزرگی در سر راه آنان پدید می‌آمد» (ایل زکی، ۱۳۹۶، ص ۸۲-۸۱).

با توجه به حرکت عظیم و دوران‌ساز انقلاب اسلامی و نقش‌آفرینی زن مسلمان در این آفرینش بزرگ، امروز زن مسلمان انقلابی در ایران، باید پرچم نهضت آزادی‌بخش زنان، چه در دنیای اسلام و چه در دنیای غرب را بردوش بگیرد و در واقع نهضت دفاع از حقوق زن مسلمان و زنان در کشورهای غربی را راهبری نماید تا صحنه‌های رهایی‌بخش در طریق «امت» سازی رقم بخورد.

«حرکت در جهت احقاق حقوق زنان در جوامع اسلامی و در جامعه ما حتماً باید انجام گیرد، منتها بر مبنای اسلامی و با هدف اسلامی، یک عده نگویند که این چه نهضتی است. این چه حرکتی است. مگر زن در جامعه ما چه کم دارد؟ متأسفانه ممکن است بعضی اینگونه فکر کنند. این، ظاهر بینی است. زن در همه جوامع از جمله جامعه ما، گرفتار ستم

و دچار کمبودهایی است که بر او تحمیل می‌شود. اما این کمبود، کمبود میدان‌ها و فرصت‌ها برای علم و معرفت و تربیت اخلاقی و پیشرفت و شکوفایی استعدادها است، نه کمبود آزادی به معنای بی‌بندوباری اگر جامعه اسلامی بتواند زنان را با الگوی اسلامی تربیت کند. یعنی الگوی زهرایی، الگوی زینبی، زنان بزرگ، زنان با عظمت، زنانی که می‌تواند دنیا و تاریخی را تحت تاثیر قرار دهند. آن وقت، زن به مقام شامخ حقیقی خود نایل آمده است» (خامنه‌ای، ۱۳۷۶/۷/۳۰).

۶. تمرکز تهاجم غرب به اسلام با محوریت زن

بیشترین حجم تبلیغ و تهاجم ارزشی و فرهنگی غرب به اسلام با محوریت زن صورت یافته است. به گفته «جلال آل احمد» بیشترین گنبدگی و از خود و انهادگی فرهنگی ما، منحصر به مسئله زن شده است و نخستین ریشه تضادها را به دلیل تفکر سرمایه‌سالاری و امپریالیسم اقتصادی را دارد و از زن بیشترین سود سرمایه‌سالاری را می‌برد و به استقلال کشیدن زن، آسمیلیه کردن وی و دوری از تفکر حجابی زن، دوری از نقش مادری در نهاد خانواده و بردن او به بیرون، طنازی و عشوه‌گری و و ابزار و شیئی قرار گرفتن وی در دست هر هوسبازان سرمایه‌گرا و سرمایه‌سالار و... این‌ها ریشه بیماری غرب‌زدگی جهان سلام بوده است و با این ابزار آنها درماندگی ما را به تصویر کشیده و عملی ساخته‌اند، و لذا می‌نویسد: «آیا اکنون نرسیده است نوبت آنکه ما نیز در تقابل قدرت غرب احساس خطر و نیستی کنیم و برخیزیم و سنگر بگیریم و به تعرضی پردازیم؟» (آل احمد، ۲۵۳۶ شاهنشاهی، ص ۶۰)

ما باید رعب و حرمت غرب را یکجا بریزیم و به یک سونهم، بزرگی و عظمت دروغینش را زیر پایمان له کنیم و طلسم غرب را بشکنیم، به خودمان، فرهنگ و صنعت و روش خودمان توجه کنیم، در مقابل کلیت غرب، تهاجم گونه قرار گیریم و تبلیغان مهاجمانه و بر باد دهنده بنیادهای فرهنگی غرب باشد.

یک مسئله کلی را بسازیم، مسائل دیگر راحت، تر گشوده می‌شود و آن، جلالت و عظمت زن است، بر آن پای بفشاریم تثبیتش نمایم، و به قول جلال از تفکر «فمینیستی گذر کردن» (آل احمد، ۲۵۳۶ شاهنشاهی، ص ۱۴۲) است.

اجمالاً اصلی‌ترین محور تهاجم غرب، مسئله زن و خانواده شده می‌بینیم که اخیراً این مسئله در شعارهای شیطانی قرار می‌گیرد و به عنوان «آزادی زن» مطرح می‌شود.

مشارکت در هجمه به غرب، تبیین ماهیت شیطانی فرهنگ غرب و تبیین عظمت‌های رویکرد اسلامی به زن، ورود زنان را در این عرصه می‌طلبد و بایسته است که در تبلیغ تهاجمی و تبیین جهادگرانه اسلامی، تقابلی روشنگرانه، معرفتی با عرصه تحریف و افکار حقایق، قلب واقعیت، پنهان‌نمایی‌های عظمت‌های تفکر اسلامی، پنهان‌نمایی‌های مزاحمت‌های تفکر غربی با تشکیل امت اسلامی، بزرگنمایی ضعف‌های جوامع اسلامی، شبه‌افکنی، شایعه‌پراکنی، کارشکنی، ایجاد یاس و هراس و نومیدی و تهمت و افترا و اعتشاش آفرینی، معنویت‌زدایی غربی، جنگ با ارزش‌ها، ایجاد عناد و تعارض با نظام اسلامی، زنان پیشگام حرکت تنویر افکار و ایجاد وحدت و همگرایی اسلامی شوند و مبارزه دائمی با باطل و دفاع از حق و زدودن دروغ‌های جبهه استکبار و ظرفیت و غنای تفکر اسلامی برای ساخت واقعیت اجتماعی امت توسط زنان، با شرکت در مجامع علمی و بین‌المللی و حضور در بین زنان کشورهای اسلامی و کشورهای غربی، این امر الهی، سخت و همراه با مشقت و این قو‌ثقیل را «انا سنلقى علیک قولاً ثقیلاً» با صبر و آگاهی و دقت، به پایان رسانند و رسالت الهی، فاطمی و ولایی خود را به اثبات رسانند و در جنگ بی‌امان ترکیبی دشمن، مشارکتی همه‌جانبه کنند و هسته‌های «امت»‌سازی اسلامی را به وجود آورند.

نتیجه‌گیری

۱. زنان مسلمان، در امت‌سازی نه فقط ناظر یا پیرو، بلکه عامل مؤثر و فعال‌اند. ایفای این نقش مستلزم الزاماتی چون واگذاری مسئولیت‌های اجتماعی، شناسایی حقوق مستقل، مشارکت در تصمیم‌سازی و حمایت قانونی و اجتماعی در حوزه خانواده، سیاست، آموزش و فرهنگ است. این الزامات باید در فقه، قانون و سیاست‌گذاری بازتعریف و تثبیت شود.

۲. امت اسلامی در قرآن، جامعه‌ای «وسط»، متعهد، توحیدمحور، دارای رهبری واحد و مقصد مشترک است. در گفتمان انقلاب نیز، امت اسلامی تمدنی جهانی، مقاوم در برابر سلطه و تحقق‌بخش عدالت الهی تلقی می‌شود. امت، یک ساختار تمدنی-فرهنگی فراتر از مرزهای قومی و جغرافیایی است.

۳. زنان در صدر اسلام، به‌ویژه در ماجراهایی چون هجرت، بیعت با پیامبر، شرکت در جهاد فرهنگی و اجتماعی، نقشی هم‌سنگ مردان ایفا کرده‌اند. این مشارکت‌ها پایه‌های امت اسلامی را تقویت کرده و نشان داده که نقش زنان در مشروعیت‌بخشی اجتماعی و سیاسی امت، انکارناپذیر است.

۴. فقه اسلامی، با تأکید بر مشارکت فعال زنان، حضور آنان را در چارچوب ضوابط شرعی مشروع و واجب می‌داند. الزامات فقهی شامل حق مشارکت اجتماعی، تصدی مسئولیت، حق آموزش و تبلیغ، حق تصمیم‌سازی، و استقلال مالی و سیاسی زنان است.

۵. با تقویت اعتبار فرهنگی و اجتماعی نقش مادری، و نیز ارائه حمایت‌های قانونی، اقتصادی و معنوی از زنِ مربی و تربیت‌گر، می‌توان مشارکت زنان را از سطح فردی به سطح تمدنی ارتقا داد. زنِ مادر، هسته نخست امت را در خانواده می‌سازد و نسل امت را تربیت می‌کند.

۶. در مواجهه با جنگ نرم و تهاجم فرهنگی غرب، زنان می‌توانند با حضور در رسانه‌ها، مجامع بین‌المللی و فضای عمومی، گفتمان امت اسلامی را معرفی کنند و از ارزش‌های

دینی دفاع نمایند. زن مسلمان، نقش کلیدی در بازنمایی حقیقت دین و تمدن‌سازی اسلامی دارد.

۷. از طریق اصلاح ساختارهای حقوقی، نهادسازی فرهنگی، آموزش عمومی، تقویت فقه اجتماعی و حمایت‌های قانونی، می‌توان موانع تاریخی و اجتماعی را رفع کرد. گفتمان امت‌سازی نیازمند نگاهی تمدنی به زن و ظرفیت‌سازی عملی برای مشارکت گسترده او در ساختار جامعه اسلامی است.

منابع و مأخذ

* قرآن کریم

۱. ابن عربی، ابوبکر محمد بن عبدالله، ۱۴۰۸ق، *احکام قرآن*، بیروت: دار الجیل.
۲. ایل زکی، اعظم، ۱۳۹۶، سایه وهابیت بر حقوق زنان عربستان، *فصلنامه مطالعاتی صیانت از حقوق زنان*، سال سوم، شماره ۸.
۳. آل احمد، جلال، ۲۵۳۶ شاهنشاهی، *غرب زدگی*، تهران: انتشارات رواق تهران.
۴. بهرام، فریده، ۱۳۹۹، فعالیت‌های اجتماعی زنان از دیدگاه فقه و حقوق، *نشریه خانواده و حقوق بین الملل*، دوره ۱، شماره ۳.
۵. پل سارتر، ژان، بی تا، *مقدمه کتاب مغضوبین زمین*، بی جا.
۶. ترکی، عبدالمجید، ۱۳۶۸، *اجماع امت مومنان، جوهر عقیدتی تا واقعیت تاریخی*، ج ۱، تهران، مرکز تحقیقات اسلامی.
۷. تهرانی، صادق، *الفرقان فی تفسیر القرآن*، قم، انتشارات فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۵.
۸. حکیمی، محمدرضا، ۱۳۸۰، *الحیات*، ترجمه احمد آرام، تهران: نشر فرهنگ اسلامی.
۹. حلی، ابومنصور جمال الدین حسن بن یوسف، ۱۴۱۰ق، *ارشاد الازدهان الی احکام الایمان*، ج ۷، قم: جامعه مدرسین.
۱۰. خامنه‌ای، علی، بیانات در دیدار با مسئولان نظام سفرای کشورهای اسلامی و مهمانان کنفرانس وحدت، ۱۴۰۳/۶/۳۱.
۱۱. خامنه‌ای، علی، *بیانات در دیدار جمعی از زنان، نقش زنان در دفاع مقدس*، ۱۳۷۶/۷/۳۰.
۱۲. خامنه‌ای، علی، بیانات در دیار بانوان نخبه، ۱۳۹۰/۳/۱.
۱۳. خامنه‌ای، علی، زن، *ریحانه آفرینش*، مجموعه سخنرانی‌های رهبری درباره زن، نشر هاجر، ۱۳۷۶.
۱۴. خمینی، روح الله، ۱۳۸۱، *صحیفه نور*، ج ۱۴ و ۱۶ و ۲۱ و ۲۷ تهران، موسسه نشر و تنظیم آثار.
۱۵. زارعی، مجتبی، ۱۳۹۵، «بررسی انتقادی فمینیسم لیبرال، با الگوی فطرت گرایانه در مطالعات زنان»، *دو فصلنامه علمی، پژوهشی، الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت*، سال چهارم، شماره هفتم.

۱۶. سزاری، ژوسلین، ۱۳۹۹، *اسلام سیاسی چیست؟*، ترجمه عباس چنگ، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۱۷. سیاهپوشی، امیر، علی آقاپور، ۱۳۸۹، *فرهنگ در منظر مقام معظم رهبری*، تهران: موسسه نشر شهر، تدوین مرکز پژوهش‌های فرهنگی صدا.
۱۸. شمیم، علی اصغر، ۱۳۴۴، *فرهنگ شمیم (علی اکبر)*، تهران: انتشارات مدی.
۱۹. طباطبایی، محمدحسین، ۱۳۸۵، *المیزان*، ترجمه محمدرضا صقوی، قم: نشر معارف.
۲۰. طباطبایی، محمدحسین، ۱۳۹۳، *المیزان*، المجله السادس عشر، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
۲۱. فارسی، جلال الدین، ۱۳۵۷، *انقلاب تعاملی اسلام*، تهران: موسسه انتشارات آسیا.
۲۲. فانون، فرانسیس، ۱۳۶۱، *مغضوبین زمین، یا دوزخیان روی زمین*، مترجم: ف. باقری، تهران: مولی.
۲۳. معزی، اسماعیل، ۱۳۹۲، *دانشنامه منابع فقه شیعه*، ج ۲۲، تهران: نشر فرهنگ سبز.
۲۴. منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان در نظام جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۵۴۶ جلسه مورخ ۱۳۸۳/۶/۳۱، شورای عالی انقلاب فرهنگی.
1. Akhmetova, Elmira. (2016, October). Women in Islamic civilisation: their rights and contributions. *Islam and Civilisational Renewal*, vol. 7, no. 4, pp. 474-491.